

مجلس عالی دربار حلقه گذار به نظام مشروطه

علیرضا ملایی توانی*

چکیده

با صدور فرمان مشروطه، تلاش برای استقرار نظم جدید که مهم‌ترین مشخصه آن تشکیل مجلس شورای ملی بود، آغاز شد. اما تأسیس مجلس نیازمند تدوین نظام‌نامه (قانون) انتخابات بود که می‌بایست شورایی خاص، سرپرستی تنظیم و تدوین آن را بر عهده گیرد. این نهاد در تاریخ معاصر ایران به «مجلس عالی» یا «شورای عالی دربار» تعبیر شده است. با عنایت به فقدان پژوهشی مستقل درباره مجلس عالی و وجود ابهامات فراوان درباره ماهیت و عملکرد این نهاد، پرسش اصلی این است که مجلس عالی چرا و چگونه تأسیس شد؟ اعضای آن چه کسانی بودند و چگونه انتخاب شدند؟ و این شورا چه کارکردهایی داشت؟

مقاله حاضر درصدد است با بهره‌گیری از منابع اصلی و پژوهش‌های جدید، این موضوع را با رویکرد توصیفی-تبیینی مورد ارزیابی قرار دهد. سرانجام، مقاله به این نتیجه می‌رسد که مجلس عالی هرچند یک شورای اضطراری بود، با تصویب نظام‌نامه انتخابات و نیز برگزاری و نظارت بر فرایند انتخابات نقش بارزی در گذار از نظام پیشامشروطه به مشروطه ایفا کرد.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای ملی، مجلس عالی، شورای عالی دربار، نظام‌نامه انتخابات، انتخابات مجلس.

۱. مقدمه

تردیدی نیست که برای پی‌ریزی یک نظام سیاسی جدید به تشکیل مجلس مؤسسان نیاز بود تا با تدوین قانون اساسی، نظام سیاسی نوین و نهادهای آن را طراحی کند و مقدمات انتقال قدرت از نظم کهن به نظم نوین را فراهم آورد. حال پرسش اصلی این است که در نظام مشروطه ایران کدام نهاد متولی این امر بود؟

بی‌تردید، نخستین دوره مجلس شورای ملی مسئولیت اصلی مرحله دشوار گذار از نظام قدیم به نظام جدید را بر عهده داشت. به تعبیر تقی‌زاده، مجلس اول رسالتی بر دوش داشت که در تاریخ شرق بر هیچ مجمعی محول نشده بود: مجلس باید با تدوین قانون اساسی، نظم موجود را درهم شکند و نظامی متفاوت را جانشین آن سازد. به همین دلیل، مجلس نه تنها از جنس مجلس مؤسسان، مجلس عالی و مجلس قانون‌گذاری فرانسه بود، بلکه بخشی از اختیارات هیئت مدیره آن را بر عهده داشت (تقی‌زاده، ۱۳۳۷: ۹).

این موضوع که چگونه و طی چه فرایندهایی ایرانیان توانستند مسیر دشوار گذار از صدور فرمان مشروطه تا تأسیس مجلس شورای ملی را بپیمایند، بسیار مهم و تأمل‌کردنی است. در این فاصله که نزدیک به دو ماه به درازا کشید، شورایی بسیار مهم موسوم به مجلس عالی یا شورای عالی دربار شکل گرفت که کارکردهای بسیار بنیادین داشت. اما این موضوع با همه اهمیتش، تاکنون چنان‌که باید، مورد مطالعه و ارزیابی قرار نگرفته است؛ نه در پژوهش‌های جدید پیرامون نهضت مشروطه و نه حتی در آثار بسیاری از خاطره‌نگاران و مورخان مشروطه، تصویر روشنی از عملکرد این نهاد در دست نیست.

با توجه به آن‌چه گفته شد، مسئله اصلی این است که چرا چنین شورایی برگزار شد؟ چه مسائل و عواملی شکل‌گیری آن را الزام‌آور ساخت؟ در این شورا کدام شخصیت‌های حقوقی و حقیقی حضور داشتند و ترکیب اعضای آن چگونه بود؟ حدود وظایف و اختیارات آن چه بود؟ درباره چه نوع مسائلی تصمیم‌گیری می‌کرد؟ این شورا با چه مشکلات و مسائلی رویاروی شد؟ پیامدها و دستاوردهای تأسیس شورا چه بود؟

۲. نگاهی به پیشینه موضوع

در منابع اصلی تاریخ مشروطه، ابهام‌ها و ناگفته‌های فراوانی پیرامون مجلس عالی وجود دارد. داده‌های پراکنده خاطره‌نگاران و تاریخ‌نگاران عهد مشروطه نیز نتوانسته است ماهیت این شورا را به‌درستی تصویر کند؛ همین امر موجب برداشت‌های نادرست

پژوهش‌گران مشروطه شده است، چنان‌که بسیاری از آن‌ها مجلس عالی دربار را همان مجلس شورای ملی پنداشته‌اند. بی‌تردید، وجود لفظ مشترک «مجلس» در هر دو نهاد سهم بارزی در این سوء تفاهم داشته است. برای روشن‌تر شدن موضوع به چند منبع داخلی و خارجی و نیز برخی پژوهش‌های جدید اشاره می‌کنیم:

الف) منابع داخلی: مهدی ملک‌زاده که پس از کسروی و ناظم‌الاسلام به نگارش تاریخ مشروطیت پرداخت، هرچند در اثر خود به وجود یک شورای مهم پی برده، در تحلیل نهایی، میان مجلس عالی دربار و مجلس شورای ملی تفکیک قائل نشده است. او در این باره می‌نویسد که مجلسی از معتمدان دولت و رهبران ملت برای تهیه آیین‌نامه و افتتاح مجلس آراستند و با حسن نیت و حسن تفاهم به مذاکره پرداختند و چنان صلاح دانستند که انتخابات طبقاتی باشد و از هر طبقه نماینده‌ای در مجلس حضور داشته باشد (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۱/۳۸۲).

ملک‌زاده بدون اشاره به ماهیت این شورا از کنار آن گذشته است. در صورتی که برخلاف ادعای او، نشست‌های این مجلس نه تنها با حسن تفاهم همراه نبود، بلکه مشحون از تنش و کشاکش بود، چنان‌که به زحمت توانست نظام‌نامه انتخابات را تصویب کند. در میان خاطره‌نگاران عصر مشروطه، قهرمان میرزا سالور با وجود خاطرات تفصیلی‌اش از رخداد‌های عهد مشروطه، هرگز از مجلس عالی سخن نگفته است (عین‌السلطنه سالور، ۱۳۷۷: ۱۸۰۱).

حتی مخبرالسلطنه هدایت که خود از اعضای اصلی تدوین‌گر نظام‌نامه انتخابات و سرپرست هیئت ناظر بر انتخابات بود، در آثار خود بی‌آن‌که از مجلس عالی یاد کند، فقط به نحوه تدوین نظام‌نامه انتخابات که در ۲۱ جمادی‌الثانی به دعوت مشیرالدوله با حضور وی و صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، میرزا حسن‌خان و میرزا حسین‌خان، پسران مشیرالدوله، برای تدوین نظام‌نامه تشکیل شد، اشاره می‌کند (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۴۴: ۱۴۱ - ۱۴۲). نکته مهم در گفته‌های او، تاریخ نشست هیئت تدوین‌کنندگان قانون است که جای تأمل دارد.

نه هاشم محیط‌مافی به مجلس عالی اشاره‌ای کرده است نه حتی مهدی شریف کاشانی، از فعالان سیاسی و همراهان علمای مهاجر در انقلاب مشروطه، در اثر خود موسوم به *واقعات/تفاهیم در روزگار*. آن‌ها فقط به برخی از جنبه‌های انتخابات پرداخته‌اند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/۸۸ - ۹۸؛ محیط‌مافی، ۱۳۶۳: ۱۰۰ - ۱۲۵).

کسروی نیز به‌رغم دقتی که در پژوهش‌های تاریخی به خرج داده است، پیرامون مجلس شورای دربار چندان درنگ نکرده است. البته، او شورای عالی دربار را یک «مجلس چندگاه یا موقتی» خوانده است که روز شنبه ۲۶ مرداد مصادف با ۲۷ جمادی‌الثانی در سرای مدرسه نظام یکی از سراهای دربار به طرز بسیار باشکوهی با حضور علما و مشروطه‌خواهان، وزیران و درباریان برگزار شد (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۴).

در میان مورخان مشروطه، فقط ناظم‌الاسلام کرمانی و در میان خاطره‌نگاران عصر مشروطه تنها یحیی دولت‌آبادی گزارش مفید و روشن‌گرانه‌ای از مجلس عالی دربار ارائه کرده‌اند که می‌تواند برخی از ابهام‌های آن را بزداید.

ب) منابع خارجی: ادوارد براون (Edward Browne) که نخستین اثر تاریخی به زبان خارجی را پیرامون انقلاب مشروطه نگاشت، گزارشی مبهم پیرامون مجلس عالی و زمان برگزاری آن ارائه می‌دهد. به نوشته او در ۱۵ یا ۱۶ اوت / ۲۵ و ۲۶ مرداد ۱۲۸۴، بست‌نشینان از سفارت انگلیس خارج شدند. چهار یا پنج روز پس از صدور فرمان تأسیس مجلس شورای ملی (در ۱۹ اوت یا ۲۹ مرداد)، مجلس عالی دربار شکل گرفت که وی آن را مراسم رسمی و باشکوه افتتاح مجلس در حضور مقامات روحانی عالی‌مقام خوانده است که به‌عنوان میهمان شاه سه روز مورد پذیرایی قرار گرفتند (براون، ۱۳۷۶: ۱۲۸).

نه در کتاب نارنجی گزارش چشم‌گیری درباره مجلس عالی به چشم می‌خورد نه در کتاب آبی. در کتاب نارنجی، مجلس عالی با عنوان جلسه رسمی مجلس ملی و در کتاب آبی، مجلس عالی به‌عنوان مقدمه مجلس شورای ملی یاد شده است (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۸؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱). البته در کتاب آبی، به این نکته اشاره شده است که شیخ محمد واعظ که گرفتاری او مقدمه مشروطه شد، بر فراز سکویی مرتفع مردم را به افتتاح مجلس و انتخاب وکلا بشارت داد (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱) که ادیب هروی نیز عیناً همین عبارت را بدون ذکر منبع نقل کرده است (ادیب هروی، ۱۳۳۱: ۷۶)؛ این موضوع در سایر منابع عهد مشروطه منعکس نشده است.

در اسناد انتشاریافته داخلی از جمله اسناد وزارت خارجه نیز مجلس عالی همان مجلس شورای ملی تلقی شده است که نخستین جلسه آن ۲۷ مرداد ۱۲۸۵ برگزار شد (نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

اوبن (Eugene Aubin)، سفیر فرانسه که مصادف با انقلاب مشروطه در ایران می‌زیست، در خاطرات خود، به مجلس عالی مرکب از سیصد تن از شاهزادگان، روحانیان

و بازاریان برای تدوین قانون انتخابات اشاره می‌کند که در ۱۸ اوت در مدرسه نظام تشکیل جلسه دادند (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۲۰). این در حالی است که در اغلب منابع داخلی تعداد اعضای این شورا نزدیک به پانصد تن برآورد شده است.

ج) در میان پژوهش‌های جدید، علی‌اصغر حقدار در کتاب *مجلس اول و نهادهای مشروطه* که به صورت تخصصی به فرایند و مقدمات تشکیل مجلس شورای ملی پرداخته، اساساً موضوع مجلس عالی را نادیده انگاشته است. نام‌برده برخی از مسائل و کارکردهای مجلس عالی دربار را به اشتباه به مجلس شورای ملی نسبت داده و حتی مراسم گشایش مجلس عالی دربار را سهواً، مراسم گشایش مجلس شورای ملی خوانده است که به زعم او همت خود را مصروف تدوین نظام‌نامه انتخابات نموده (حقدار، ۱۳۸۳: ۲۴)، اما از خود نپرسیده‌اند اگر هنوز قانون انتخابات تدوین نشده، چگونه نمایندگان مجلس انتخاب شده‌اند. خوشبختانه، در ادامه بحث متوجه این نقیصه شده‌اند و برای حل این معما، نشست‌های مجلس عالی را جلسات غیر رسمی مجلس نامیده‌اند که تا گشایش رسمی مجلس به تدوین آیین‌نامه انتخابات مشغول بود (همان: ۸۰-۸۱).

ژانت آفاری (Janet Afary) نیز در پژوهش مفصلش پیرامون مشروطه، فقط به تدوین قانون انتخابات اشاره کرده و از مجلس عالی سخن نگفته است. اما عبدالحسین نوائی با وقوف به وجود مجلس عالی آن را یک «مجلس موقت» نامیده است که تدوین انتخابات را بر عهده داشت (نوائی، ۱۳۵۶: ۹۵ و ۹۷). به تبع او، فؤاد پورآرین آن را مجلس غیر رسمی شورای ملی با حضور نمایندگان دولت و سران جنبش خوانده است که در واقع، پیش‌زمینه مجلس شورای ملی محسوب می‌شد و هدف آن بررسی نظام‌نامه پیشنهادی دولت درباره انتخابات بود (پورآرین، ۱۳۵۸: ۴۱-۴۲).

مصطفی تقوی مجلس عالی را مجلس مقدماتی (تقوی، ۱۳۸۴: ۸۶) و اسماعیل رضوانی به عنوان «مجلس بی‌نماینده» یاد می‌کند؛ البته، اگر منظورش از نماینده همان نمایندگان انتخابی ملت باشد، تعبیر درستی است (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

حسین آبادیان نیز مجلس عالی را جلسه مقدماتی برای تشکیل مجلس در مدرسه نظام دانسته است. اما نکته تازه در کار نام‌برده، دقت در متن سخنان ملک‌المتکلمین در مراسم گشایش مجلس عالی است که به ادعای ایشان ملک‌المتکلمین نخستین فردی بود که از حقوق ملت سخن گفت (آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۵).

در میان پژوهش‌گران جدید، مجید یکتائی در اشاره‌ای کوتاه اما درست از مجلس عالی

سخن گفته است. به تعبیر او، برای تأسیس مجلس به مجلسی موقتی یا مجلس مؤسسان نیاز بود و می‌طلبید که نمایندگان ولایات انتخاب شوند و در این مجلس حضور یابند، ولی تنگناهای زمانی، خطر سیطره استبدادگران به‌ویژه رویگردانی شاه و همچنین اوضاع ناگوار ولایات موجب توقف این کار شد (یکتائی، ۱۳۵۶: ۴۶). در عوض، برای تدوین نظام‌نامه انتخابات و تهیه مقدمات مجلس در تالار مدرسه نظام، نشست بزرگی با حضور علما و طبقات مختلف و مقامات سیاسی برگزار شد.

مهدی مرادی خلیج نیز مجلس عالی دربار را با مجلس شورای ملی یکی انگاشته و آن را جلسه افتتاحیه مجلس خوانده است (مرادی خلیج، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۳). اما نکته مهم در کار ایشان دقت در نطق صدراعظم است که مجلس را «عطیه شاه» خوانده و او را محور همه امور دانسته بود، در حالی که در نطق علما، ملت محور کار شناخته شده بود (همان: ۱۴۲-۱۴۳).

۳. مقدمات تشکیل مجلس عالی

پس از صدور آخرین فرمان مشروطه، متحصنان سفارت انگلیس فرمان شاه را نسبت به انتخابات مجلس مبهم دانسته، خواهان امضای سفارت پای فرمان مشروطه و نیز عفو عمومی همه متحصنان بودند. هنگامی که مراتب به شاه منعکس شد، البته از موضوع امضای فرمان توسط سفارت برآشفت، اما دو دست‌خط صادر کرد: یکی درباره تدوین قانون انتخابات و دیگری عفو عمومی پناهندگان. متن این دو دست‌خط برای عضدالملک - که اکنون در قم بود - مخابره شد تا به اطلاع علما برسد (صفائی، ۱۳۸۰: ۲۴۸).

روز چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴، علمای مهاجر در پی توافق دولت با خواسته‌های آن‌ها و با استقبال عضدالملک، رئیس ایل قاجار، به تهران بازگشتند و قرار گذاشتند تا تأسیس مجلس شورای ملی، رسیدگی به امور شرعی و حتی دیدار با شاه را موقوف کنند.

یک روز بعد از ورود آقایان در حالی که هنوز تحصن در باغ سفارت انگلیس ادامه داشت، تجار و روحانیان به صدراعظم هشدار دادند تا برای تأسیس مجلس شورای ملی اقدام کند. به دنبال آن، روز ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴، صدراعظم دستور داد روز جمعه ۲۶ جمادی‌الثانی عمارت وسط باغ بهارستان را که از بناهای میرزا حسین‌خان سپهسالار بود، برای تشکیل مجلس مقدماتی موسوم به شورای عالی یا مجلس عالی آماده سازند تا اعضای شورا در آنجا مقدمات تأسیس مجلس شورای ملی را فراهم آورند (ناظم‌الاسلام کرمانی،

۱۳۷۶: ۵۷۴/۳). اما روحانیان این مکان را به سه دلیل نپسندیدند: نخست، این مکان را متعلق به ورثه سپهسالار می‌دانستند که ناصرالدین‌شاه آن را به زور تصرف کرده است. از نگاه آن‌ها مجلس عالی باید در مکانی غیر غصبی برگزار می‌شد یا باید اجازه وارثان به دست می‌آمد که خود مستلزم مدتی وقت بود (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷)؛ دیگر آن‌که در آن زمان بهارستان در حاشیه شهر قرار داشت و دسترسی به آن دشوار بود. در نتیجه، قرار شد مدرسه نظام به این منظور آماده شود؛ سوم، همسایگی مدرسه نظام با کاخ صاحبقرانیه که موجب می‌شد در صورت بروز مشکل آقایان بتوانند با شاه دیدار کنند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۵۷۴/۳). بدین ترتیب، مدرسه نظام موقتاً محل کمیسیون تدوین نظام‌نامه و مجلس عالی تعیین شد و نخستین نشست آن به روز شنبه ۲۷ جمادی‌الثانی موکول گردید.

۳.۱ ترکیب و تعداد شرکت‌کنندگان و آیین گشایش مجلس عالی دربار

کسروی تعداد حاضران را در این مجمع نزدیک به دوهزار تن از مردم پایتخت (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)، دولت‌آبادی تقریباً هزار نفر (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۳/۲ - ۸۴)، حسن اعظام‌قدسی و ناظم‌الاسلام کرمانی نزدیک به سه تا چهارهزار نفر (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۵۷۴/۳؛ اعظام‌قدسی، ۱۳۴۹: ۱۴۲/۱) برآورد کرده‌اند؛ روزنامه رسمی ایران نیز تعداد حاضران را دوهزار تن برآورد کرده است (روزنامه ایران، ۱۳۲۴: ۲). در این میان، فقط ملک‌زاده به حضور سفرای خارجی در مراسم افتتاحیه اشاره می‌کند که با توجه به اهمیت موضوع، پذیرفتنی است. او تعداد حاضران را در این مجلس و خیابان‌های اطراف حدود ده‌هزار تن تخمین زده است (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۸۳/۱) که اگر این جمعیت را با تعداد متحصنان در سفارت انگلیس قیاس کنیم و اهمیت این روز سرنوشت‌ساز را در نظر آوریم، چندان دور از انتظار نیست.

بدیهی است هر چه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شد، به همان نسبت پشتوانه مردمی نهضت افزایش می‌یافت. شاید به همین دلیل بود که آقایان مهاجر از متحصنان سفارت خواستند در نشست مزبور شرکت کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

با این همه، خطاست اگر تصور کنیم چنین جمعیتی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های شورای عالی دخیل بوده‌اند. آنچه مسلم است این جمعیت فقط در مراسم گشایش مجلس عالی حضور داشتند و در بیرون از جلسه رسمی مجلس عالی تجمع کرده بودند. به تعبیر روزنامه ایران، در مجلس عام حضور داشتند اما اعضا و ترکیب

اصلی شورا را حدود پانصد نفر شامل علمای برجسته پایتخت، بازاریان سرشناس، رجال و اعیان تهران از جمله صدراعظم و نایب‌السلطنه، وزیران و برخی از شاهزادگان تشکیل می‌دادند که در درون مجلس یا به تعبیر روزنامه ایران در مجلس خاص نشسته بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۳/۲ - ۸۴؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۳/ ۵۷۴؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۴؛ اعظم‌قدسی، ۱۳۴۹: ۱/ ۱۴۲).

اعضای اصلی شورای عالی بر اساس دعوت قبلی صدراعظم و با نام و نشان انتخاب شده بودند و در میان آن‌ها بسیاری از شخصیت‌های دولتی و غیر دولتی اعم از محترمان تجار و اصناف و روحانیان و شاهزادگان حضور داشتند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۶؛ روزنامه ایران، ۱۳۲۴: ۲).

بدین ترتیب، نشست افتتاحیه شورای عالی دربار عصر روز شنبه ۲۷ جمادی‌الثانی در مدرسه نظام برگزار شد. به نوشته براون، هنگام گشایش این مجلس ملی باشکوه، شور و شوق غریبی در مردم دیده می‌شد که تا آن زمان سابقه نداشت (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۲). کسی باور نمی‌کرد در این کشور به این زودی اقداماتی بزرگ صورت پذیرد. اما جز عده معدودی، بقیه نمی‌دانستند چه می‌کنند؟ مقصود از این نشست چیست؟ قانون به چه معنی است؟ مجلس کدام است؟ مشروطه چیست؟ (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۳/۲ - ۸۴).

در آغاز مراسم، مشیرالدوله، صدراعظم وقت، نطقی کوتاه ارائه کرد. او نخست از شاه تمجید نمود و سپس از فلسفه برپایی مجلس عالی سخن گفت. مشیرالدوله هدف از این نشست را تحقق اراده شاه برای بازکردن درهای نیکبختی به روی ملت ایران و ایجاد اصلاحات مفید و تحکیم مبانی دولت و ملت دانست تا بتواند خواسته شاه را در صدور فرمان مجلس به اجرا نهد. او گفت چون قانون انتخابات مجلس شورای ملی باید با دقت و منطبق با دست‌خط مشروطیت تدوین شود، این کار نیازمند فرصت کافی است؛ به همین دلیل شاه برای اثبات حسن نیت خود و این‌که «دلیلی واضح و حجتی کافی در تصمیم رأی مبارک خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی به قاطبه اهالی ایران داده باشند، مقرر فرمودند که عجلتاً محل موقتی این مجلس محترم، معین و در آن‌جا با حضور آقایان علما و وزرا و اعیان و اشراف و تجار و اصناف، صرف شیرینی و شربت بشود» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۳/ ۵۷۵). او در پایان آرزو کرد به‌زودی بر اساس دست‌خط شاه با حضور نمایندگان تهران مجلس دایر شود.

بعد از خطابه صدراعظم، چون تمام مردم سخن او را نشنیده بودند، ملک‌المکلمین^۱ آن

را با صدای بلند تکرار کرد. وی سپس خطابه‌ی علما را خواند. برخلاف نطق مشیرالدوله - که تشکیل مجلس عالی دربار را برخاسته از اراده‌ی ملت خوانده بود- در این خطابه از حقوق ملت سخن رفت و شورای عالی فقط مقدمه‌ای «به رسم افتتاح مجلس شورای ملی» دانسته شد تا نمایندگان سایر بلاد به تدریج دررسند (همان: ۵۷۶). ملک‌المتکلمین در نطق خود گفت، با صدور فرمان مشروطه اتحادی محکم بین نمایندگان دولت و ملت پدید آمده و حسن استعداد ملت سبب شد که دولت حقوق شخصی و ملی آنان را تصدیق کند و شایسته است که مجلس عالی نیز در بیداری مردم و آشنایی بیش‌تر آن‌ها به حقوق مشروع خود گام بردارد تا ملت نیز بتواند حقوق سلطنت را محفوظ دارد (روزنامه ایران، ۱۳۲۴: ۳). سپس عضدالملک، رئیس مجلس عالی، یک طاق کشمیری به ملک‌المتکلمین خلعت داد و از سوی شاه به مردم ابراز محبت نمود.

نکته‌ی جالب توجه این است که حتی در نطق ملک‌المتکلمین، دعوت‌شدگان به مجلس عالی، نمایندگان پایتخت خطاب شده بودند؛ در حالی که این مجموعه باید درباره‌ی کیفیت انتخابات و نظام‌نامه‌ی انتخابات گفت‌وگو کند و فقط تعدادی از آن‌ها به مجلس راه یافتند. این امر نشان می‌دهد که ماهیت این مجلس هنوز برای بسیاری از گردانندگان آن روشن نبود. پس از خطابه‌ی علما، مردم با صدای کف‌زدن‌های متوالی و زنده‌باد شاهنشاه ابراز خوشحالی کردند. این نخستین بار بود که فریاد «زنده‌باد ملت» و «زنده‌باد شاه ایران» در فضای کشور طنین انداخت. سپس، حاضران به صرف چای و شیرینی پرداختند. گفته می‌شود لوازم پذیرایی از هر حیث مهیا بود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۳/۲-۸۴).

مردم پس از صرف شربت و شیرینی پراکنده شدند تا مجلس عالی فعالیت خود را در محیطی آرام از سرگیرد. در پایان همین نشست، هیئتی دوازده نفره مأموریت یافتند که با حکم صدراعظم قانون انتخابات را تدوین و گزارش کار خود را در شورای عالی مطرح کنند. شاخص‌ترین افراد این هیئت عبارت بودند از: صنیع‌الدوله، مخبرالسلطنه، حاج امین‌الضرب، محقق‌الدوله، صدیق حضرت، معین‌التجار بوشهری، میرزا محسن (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷)، محتشم‌السلطنه، میرزا حسن و میرزا حسین فرزندان مشیرالدوله (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۴۴: ۱۴۱-۱۴۲).

با پایان یافتن مراسم گشایش مجلس عالی، این تصور نزد بسیاری از خاطره‌نگاران و محققان مشروطه شکل گرفت که گویا مجلس عالی در همین روز به پایان رسیده است. همین امر راز اصلی بسیاری از بدفهمی‌ها و اشتباه‌ها پیرامون مجلس عالی بوده است.

روز بعد یعنی ۲۸ جمادی الثانی، مشیرالدوله و فرزند بزرگش، مشیرالملک، با علما ملاقات کردند. در دیدار با طباطبایی، پیرامون مجلس و تشکیلات آن مذاکره کردند. در دیدار با نوری که افزون بر مشیرالدوله و پسرش، طباطبایی و عضدالملک نیز حضور داشتند، پیرامون تدوین قانون اساسی و وضع مالیات طبق قانون اسلام سخن رفت (اعظام قدسی، ۱۳۴۹: ۱۴۲/۱).

در همین روز، اعضای مجلس عالی یعنی کسانی که دعوت‌نامه داشتند، با کالسکه‌های سلطنتی به کاخ صاحبقرانیه شمیران رهسپار گشته، با شاه دیدار و گفت‌وگو نمودند و دوام و بقای سلطنت وی را از خداوند آرزو کردند و به طرز شایسته‌ای در ضیافت ناهار کامران‌میرزا پذیرایی و سپس رهسپار تهران شدند تا مشورت و تبادل نظرهای خود را در مدرسه نظام پیرامون تدوین نظام‌نامه انتخابات از سرگیرند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۸).

۲.۳ سبب تشکیل مجلس عالی دربار: وظایف و رسالت

سبب اصلی تشکیل مجلس عالی دربار، تدوین نظام‌نامه انتخابات، فراهم آوردن مقدمات تأسیس مجلس شورای ملی از طریق برگزاری انتخابات مجلس و نظارت بر آن، و ساماندهی سایر اموری بود که به استقرار مشروطیت و پی‌ریزی نهادهای آن می‌انجامید (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

به دلیل اهمیت مجلس عالی دربار و کارکردهای آن بود که در اسناد وزارت خارجه انگلیس، این شورا با عنوان مجلس مبعوثان یا مؤسسان یاد شده است که اگرچه اعضای آن بدون انتخابات تعیین شدند، کارهای مهمی را عهده‌دار شد (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۵).

آبراهامیان نیز از معدود محققانی است که مجلس عالی دربار را مجلس مؤسسان (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۱۱۰) و ناظم‌الاسلام و روزنامه ایران بر اساس سنت‌های تاریخی صدر اسلام، آن را «ارباب حل و عقد» خوانده‌اند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۵۷۸/۳؛ روزنامه ایران، ۱۳۲۵: ۱).

بر اساس گزارش‌های روزانه ناظم‌الاسلام، این مجلس تا زمان تشکیل مجلس شورای ملی نشست‌های منظم داشت و پیرامون اوضاع کشور، وضعیت تبعیدیان، برنامه‌های آینده کشور و ترویج معارف مذاکره می‌کرد، چنان‌که حتی اعضای مجلس عالی با انتصاب شعاع‌السلطنه به وزارت تجارت موافقت نکردند و بر آن بودند که باید به تصویب مجلس

برسد، اما دیوانیان معتقد بودند چون مجلس شورای ملی رسمی نشده است، شاه می‌تواند وی را منصوب کند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۳/ ۵۷۹ - ۵۸۰).

هیئت تدوین‌گران قانون انتخابات که توسط شورای عالی و با حکم مشیرالدوله انتخاب شدند و عمدتاً جریانی روشن‌فکر و تجددخواه بودند، بدون فوت وقت، برخی از نظام‌نامه‌های انتخاباتی کشورهای دموکراتیک (فرانسه و بلژیک) را ترجمه و تعدیل نموده، فوراً پیش‌نویس نظام‌نامه انتخابات ایران را ترتیب دادند.

مجلس عالی نیز هر هفته دو روز در مدرسه نظام جلسه تشکیل می‌داد و خلاصه مذاکرات و تصمیم‌های آن را در ملاعام برای حاضران می‌خواندند. حاضران گوش می‌سپردند و هر یک آزادانه دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کردند. به تعبیر دولت‌آبادی، «یک مجلس آزاد ملی»^۲ بود و به باور این جانب می‌توان آن را نخستین مجمع دموکراتیک در تاریخ ایران خواند.

۳.۳ کارگردان و رئیس مجلس عالی

عضدالملک ریاست این مجلس را بر عهده داشت. علت انتخاب او، گذشته از منش، شخصیت و جایگاه وی، از این واقعیت ریشه می‌گرفت که او اساساً چهره‌ای مستقل و مورد اعتماد دو سوی این منازعه یعنی شاه و ملت بود. او پیش از تشکیل مجلس عالی از سوی شاه و با حکم صدراعظم مأموریت یافت به قم رفته، علمای مهاجر را پس از آگاهی از محتوای فرمان مشروطیت با احترام به تهران بازگرداند.

به همین دلیل، در محافل تهران شایع بود چون رتق و فتق امور علما با عضدالملک بوده و دعوت از جانب وی صورت گرفته، وی به ریاست مجلس انتخاب شده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/ ۸۳). برخی نیز بیماری شاه را علت انتخاب وی دانسته‌اند تا به نمایندگی از شاه مجلس عالی را برپا کند (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). روزنامه ایران علت انتخاب او را به واسطه اصل و نسب او که از اقدم اعظام رجال دولت و منتسبان خاندان قاجار است، دانسته تا تمام بزرگان دولت و ملت را گرد آورد (روزنامه ایران، ۱۳۲۴: ۲).

در هر صورت، عضدالملک چهره دموکراتیک و میانه‌روی قاجاری بود که هم علما و هم رجال سیاسی و هم شاه و دولت به او اعتماد داشتند. به تعبیر ابراهیم صفائی، او در دوران مشروطه میان درباریان و مشروطه‌خواهان یک میانجی ضعیف اما با حسن نیت بود و از جانب‌داری آزادی‌خواهان دریغ نمی‌کرد (صفائی، ۱۳۴۷: ۴۸۸). نظر به همین تلاش

مجدانه او برای تشکیل زودهنگام مجلس شورای ملی بود که وی از سوی طبقات مختلف، نامزد ریاست مجلس شد ولی نپذیرفت و حتی از کاندیداشدن خودداری کرد (صفائی، بی تا: ۱۸). در نتیجه، صنایع الدوله، از اعضای اصلی تدوین‌گران نظام‌نامه انتخابات، به این مقام برگزیده شد.

۴. گرایش‌های سیاسی در مجلس عالی دربار

با عنایت به اهمیت و جایگاه شورای عالی و نیز با توجه به ترکیب سیاسی و طبقاتی آن، به طور کلی چهار جریان اصلی یا چهار تفکر سیاسی متمایز در متن مجلس عالی دربار وجود داشت:

نخست، اصلاح‌طلبان کارگزار حکومت که شاخص‌ترین نمایندگان آن صنایع الدوله، مخبرالسلطنه، مشیرالملک، سعدالدوله، محتشم‌السلطنه، احتشام‌السلطنه، مؤیدالسلطنه و معاون‌الملک بود (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۹۰)؛

دوم، برخی از بازاریان بلندپایه مانند حاج امین‌الضرب، معین‌التجار بوشهری، برادران بنکدار و سایر بازاریان گرداننده تحصن سفارت انگلیس. این جریان به‌رغم پیوندهایی که با روحانیان داشت، در تدوین نظام‌نامه انتخابات از ایده‌های جریان اصلاح‌طلب پشتیبانی می‌کرد؛

سوم، علمای روحانی مانند طباطبایی، بهبهانی، نوری، میرزا محسن و فرزندان آن‌ها. روحانیان می‌کوشیدند منورالفکران بی‌اعتقاد و تجددگرایان بی‌اعتماد به روحانیت وارد مجلس نشوند تا مبدا جایگاه آنان در آینده نظام سیاسی مخدوش گردد. شاید به همین علت بود که هیچ‌یک از سه روحانی دگراندیش و متهم به بابی - ازلی یعنی ملک‌المتکلمین، سیدجمال واعظ و یحیی دولت‌آبادی با وجود نقش مسلطی که در فرایندهای منتهی به انقلاب ایفا کردند، به مجلس راه نیافتند (آفاری، ۱۳۷۸: ۹۳)؛

چهارم، محافظه‌کاران درباری و شاهزادگان استبدادگر که ولیعهد سردمدار آن‌ها بود و شخصیت‌هایی چون امیربهادر و نیرالدوله آن را نمایندگی می‌کردند. جناح دربار می‌کوشید منابع قدرت سیاسی منحصراً در اختیار شاه باقی بماند و هرگز توزیع نشود. اینان قصد داشتند نظام‌نامه انتخابات را به گونه‌ای تدوین کنند که نه اساس دولت تغییر یابد نه مجلس شورای ملی تأسیس شود، بلکه حداکثر یک مجلس دولتی ایجاد گردد و حق نمایندگی آن نیز به تهران منحصر شود. آن‌ها در همین راستا حتی موفق شدند برخی از روحانیان را با

خود همراه کنند، اما تلاش‌های آن‌ها برای همراهی بهبهانی - به‌رغم همه سوءظن‌هایی که برانگیخت - ناکام ماند. به‌طور کلی، جناح دربار با این نگرش‌ها از یک سو در تعارض با ایده روشن‌فکران قرار داشت و از دیگر سو، در راستای کاهش نفوذ و اقتدار روحانیان در مجلس، با جریان روشن‌فکری هم‌نظر بود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۶/۲-۸۷).

مواضع و دیدگاه‌های این جریان‌ها بازتاب جهت‌گیری‌های سیاسی در متن نظام مشروطه بود که به‌سرعت خود را در مسائل مهمی چون تدوین نظام‌نامه انتخابات، تشکیل مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی و سایر نهادهای جدید نمایاند.

گروه صنیع‌الدوله یا جریان روشن‌فکران تجددخواه و اصلاح‌طلب حکومتی پیش‌نویس قانون انتخابات را بر اساس قوانین انتخاباتی بلژیک تدوین و به‌زودی تقدیم مجلس عالی کرد. اما اقدام آن‌ها با مخالفت دو جریان درباری و روحانی روبه‌رو شد (همان): محتوای این قانون از یک سو، مخالفت و وحشت علما را برانگیخت، زیرا در متن آن به مذهب چندان بهایی نداده بودند و از سویی دیگر، با مخالفت درباریان و در رأس همه امیربهادر همراه شد زیرا او مجدانه می‌کوشید امتیازات شاه را حفظ و انتخابات مجلس را به تهران منحصر کند (مارتین، ۱۳۸۲: ۷۲).

با توجه به آنچه گفته شد، تدوین نظام‌نامه انتخابات یکی از دشوارترین و مناقشه‌آمیزترین امور کشور بود که هر بار مورد اعتراض و مخالفت جریان‌های سیاسی صاحب‌نفوذ قرار می‌گرفت و دست‌خوش تغییر و تعدیل می‌شد، چنان‌که روحانیان در واکنش به پیش‌نویس اولیه کوشیدند به دستگیری برخی تجددگرایان، نظام‌نامه‌ای نوین تدوین کنند و برخی از جنبه‌های دینی و وطنی آن را با خواسته خود انطباق دهند. گروه درباریان نیز با دخل و تصرف خود در نظام‌نامه کوشیدند به کمک بهبهانی آن را به امضای شاه و مجلس عالی برسانند. اما آزادی‌خواهان برای خنثی نمودن این اقدام، طباطبایی را با خود همراه کردند. این امر سوءظن علیه بهبهانی را برانگیخت که به زحمت توانست آن را خنثی کند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۶/۲).

کشاکش چنان بالا گرفت که برخی از روحانیان، خواهان عزل سه تن یعنی امیربهادر، سپهدار و نیرالدوله شدند (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۲۹). همین تهدید کافی بود تا از فشار جناح دربار بکاهد. چون کشاکش اصلی میان درباریان تمامیت‌خواه و روحانیان جریان داشت، فضای سیاسی مجلس عالی را به سود جریان دموکراسی‌خواه و نیز بازاریان و اصناف - که از قضا نمایندگان بیش‌تری در این شورا داشتند - تعدیل کرد و از سیطره یک

گفتمان خاص ممانعت به عمل آورد. گذشته از این، توان و تخصص اصلاح طلبان در تدوین و ترجمه قوانین موقعیت ممتازی به آن‌ها بخشیده و در واقع همه جریان‌های صاحب نفوذ را به گونه‌ای به آن‌ها پیوند داد. همین امر سبب شد تا آن‌ها از بندهند قانون انتخابات دفاع کنند. بدین سان، اراده جریان اصلاح طلب بر دیگران چیرگی یافت.

از نگاه واقع‌بینانه، این مسائل نشان‌دهنده آن است که این قانون مقدمه بحران در صف مشروطه خواهان بود؛ زیرا سرآغاز جدایی‌ها و منازعه بر سر تقسیم منافع در روند استقرار مشروطه ایران بود که از منظر اندیشه سیاسی از دو تفکر دینی و سکولار ریشه می‌گرفت که یکی در تحصن سفارت و دیگری در مهاجرت کبری ریشه داشت. در واقع، حرکت خزنده برای حذف روحانیان از مسیر مشروطیت از همین زمان آغاز شد: نخست، از سوی درباریان و دوم، از سوی روشن‌فکران؛ در حالی که در رویدادهای پیش از پیروزی هرگز برخورد حذفی دیده نمی‌شد. به نظر می‌رسد نوعی استفاده ابزاری از روحانیان مورد توجه بود و روحانیان که این خطر را درک کرده بودند، به نوبه خود می‌کوشیدند از ورود افراد بی‌ایمان به مبانی مذهبی به مجلس جلوگیری کنند (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۹). درباریان نیز همین حرکت حذفی را با انحصارگرایی تمام‌عیار به سود خود و به زیان روشن‌فکران، اصناف و روحانیان دنبال می‌کردند.

۴. ۱ تدوین نظام‌نامه انتخابات

دومین جلسه مجلس عالی چهار روز پس از نشست عمومی ۲۷ جمادی‌الثانی و دو روز بعد از دیدار با شاه، روز چهارشنبه اول رجب با مشارکت علمای تهران از جمله طباطبایی، افجه‌ای، نوری، صدرالعلماء، بهبهانی، وزیر دربار، مشیرالملک، محتشم‌السلطنه و شماری از دولت‌مردان و بازرگانان در مدرسه نظام تشکیل گردید و درباره نخستین پیش‌نویس نظام‌نامه انتخابات که در چهل فصل تنظیم شده بود، گفت‌وگو کردند. با عنایت به اعتراض روحانیان، مقرر گردید نظام‌نامه مزبور پس از اعمال اصلاحات مورد نظر علما به اطلاع عموم برسد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۵۷۹/۳).

اما، نظام‌نامه چند بار دیگر تحت تأثیر دیدگاه محافل بیرونی مورد بازنگری قرار گرفت. هر جریان می‌کوشید آرمان‌های خود را در متن نظام‌نامه دخالت دهد: دولتیان فصل سوم نظام‌نامه که مبتنی بر انتخاب نمایندگان شهرستان‌ها بود، حذف کردند؛ علما و بازاریان نیز تغییرات مورد نظرشان را اعمال کردند. سرانجام، روز جمعه دهم رجب، نظام‌نامه‌های

یادشده در مجلس عالی قرائت شد و طی آن نظام‌نامه پیشنهادی دولتیان باطل گردید و پس از مذاکره بسیار، روحانیان و بازرگانان مأموریت یافتند نظام‌نامه دیگری تدوین و سه روز بعد یعنی در ۱۳ رجب به مجلس عالی تقدیم کنند (همان: ۵۹۰-۵۹۲).

روحانیان و بازرگانان بی‌درنگ به اصلاح نظام‌نامه پرداختند. در همین نشست‌ها بود که به طباطبایی پیشنهاد شد برای ساماندهی درست‌تر امور از انگلیس مشاور بخواهند، اما این موضوع را نپذیرفتند (همان: ۵۹۲-۵۹۳). به هر حال، با تلاش این دو جریان و با مشارکت اصلاح‌طلبان، سرانجام نظام‌نامه نهایی تدوین شد و روز دوازده رجب به تأیید طباطبایی رسید و مجلس عالی نیز در جلسه روز سیزدهم رجب - مصادف با سالروز تولد امام علی (ع) - آن را تصویب کرد. در همین جلسه، بهیچانی در سخنانی ضمن تبرئه خود گفت هرگز با مستبدان موافقتی نداشته است. او اتهام‌هایی را که پیرامون همراهی وی با دولتیان در تصویب نظام‌نامه مورد تأیید درباریان مطرح بود، شایعه دانست (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۸/۲). روز بعد، نظام‌نامه را برای امضا نزد شاه فرستادند (نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

این سخن درست است که مبنای نظام‌نامه چیزی جز ترجمه نبود و اساساً نوشتن قانون در آن فرصت کوتاه عقلاً محال بود (آبادیان، ۱۳۸۳: ۳۵)، اما برخلاف تصور، ترجمه صرف نبود. اگرچه از تجربه پارلمانی غرب استفاده شد، همان‌گونه که مجدالاسلام کرمانی گفته است، به هیچ‌یک از نظام‌نامه‌های انتخاباتی دولتی‌های مشروطه شباهت نداشت. در حالی که در آن کشورها مبنای انتخاب نماینده بر پایه جمعیت بود، در ایران مبنای انتخاب، طبقاتی بود (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۳۰).

۲.۴ خودداری مظفرالدین‌شاه از امضای نظام‌نامه و واکنش مجلس عالی

در حالی که مجلس عالی انتظار داشت شاه در ۱۴ شهریور ۱۶ رجب نظام‌نامه را امضا کند، ناگهان خبر رسید که شاه از امضای آن پشیمان شده است. شاه که تا آن زمان به درستی نمی‌دانست مشروطه‌خواهان چه خیالی در سر دارند، دریافت که با امضای این نظام‌نامه تمام استقلال و استبداد خود را باید تسلیم و تحویل ملت نماید؛ بنابراین، به مخالفت پرداخت (قهرمان‌میرزا سالور، ۱۳۷۷: ۱۸۰۱). طرفداران استبداد نیز برای پیشرفت خیالات خود با استفاده از فرصت پیش‌آمده شاه را به تدریج مأیوس نموده، او را به عقب‌نشینی از مواعید مطرح‌شده واداشتند، چنان‌که از مقصود اصلی که مشروطه بود روی

گرداند. برخی از درباریان مانند امیربهادر جنگ، محمدولی خان تنکابنی و سفارت روسیه ذهن شاه را به شدت نسبت به نظام‌نامه بدبین ساختند، به طوری که امیربهادر، وزیر دربار وقت، پیام داد محال است بگذارند شاه نظام‌نامه را امضا کند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۳). حتی گفته شد که وی نظام‌نامه را پاره کرده است.

آنچه بر دامنه ابهام‌ها افزود، خبر بازگشت عین‌الدوله از پشتکوه به تهران هم‌زمان با تدوین مراحل نهایی نظام‌نامه بود. چنین شایع شد که او توطئه جدیدی به راه انداخته و قصد دارد دوباره در مقام صدارت سررشته کارها را در دست گیرد و طومار مشروطه را درهم بیچد.

این رفتارها مشروطه‌خواهان را عصبانی نمود. در پی تعلق شاه، هیجان بسیاری برخاست. جمع انبوهی آماده شدند تا بار دیگر در سفارت انگلیس تحصن کنند. آن‌ها به مستر گروندوف اطلاع دادند با توجه به دسیسه‌های جاری از جمله بازگشت عین‌الدوله و تأخیر امضای نظام‌نامه، قصد دارند بار دیگر در سفارت تحصن کنند. پس از این اخطار، نزدیک به ۲۵ تن از مشروطه‌خواهان وارد سفارت شدند. بار دیگر کشور در آستانه بحران قرار گرفت (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱). این اعتراض‌کنندگان که عمدتاً از بازاریان بودند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹)، تصمیم گرفتند تا امضای نظام‌نامه، بازار را بسته نگاه دارند. برخی از اصناف نیز اعلام کردند تا افتتاح مجلس شورای ملی از تحصن دست نخواهند کشید (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۶۰۰/۳).

عصر روز ۱۶ رجب، چون نظام‌نامه به تصویب نرسید، شورای عالی در یک نشست اضطراری با حضور علما و تجار در مدرسه نظام، تحصن را تصویب کرد. با موافقت شورای عالی حدود ۱۵۰ تن در سفارت انگلیس بست نشستند. روز ۱۷ رجب نیز حدود هزار تن از کاسبان در مدرسه نظام تجمع کردند. در پی این تحریکات، رجال دولت کوشیدند با اعضای شورای عالی گفت‌وگو کنند، اما آن‌ها پاسخ دادند با عین‌الدوله در تهران محال است مذاکره کنند. در این مجلس قرار شد کسبه دکان‌ها را بسته، در سفارت تحصن کنند (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۲۸).

روز هجدهم، نزدیک دو‌یست تن از بازاریان در سفارت تحصن کردند. بازار بزازها و تمام کاروان‌سراهای تجارت‌نشین بسته شد. مشروطه‌خواهان از علما برای عزل و تبعید سه تن یعنی امیربهادر، سپهدار و نیرالدوله کمک خواستند (همان: ۱۲۹).^۳

بحران هر ساعت ابعاد تازه‌تری می‌یافت و معترضان خواهان امضای فوری نظام‌نامه و

تبعید عین‌الدوله از تهران بودند. در پی این تحرکات، سفارت انگلیس به پادرمیانی پرداخت. گروندوف کوشید موضوع را با وزیرمختار روس در میان نهد. هرچند سفارت روسیه حاضر به همراهی نشد، قول داد یادداشت سفارت انگلیس را امضا کند. در این یادداشت، مراتب اعتراض متحصنان به گوش شاه و صدراعظم رسید. در پی این هیاهو، دولت ناگزیر عقب نشست و شاه در ۱۷ شهریور / ۱۹ رجب نظام‌نامه انتخابات را امضا و عین‌الدوله را روانه خراسان کرد (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۶؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱؛ کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۷؛ نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۱۷۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

روز ۲۰ رجب، مجلس دربار منعقد شد و نظام‌نامه که به صحنه شاه و مأمور به مهر دولتی شده بود، قرائت گردید و مردم به ابراز احساسات پرداختند. به نوشته براون، نظام‌نامه حقوق ملت که مجلس عالی توانست به تصویب شاه و ولیعهد برساند، بسیار محکم تدوین شده بود و شباهت بسیاری به منشور انگلستان داشت (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۲). قرار شد روز ۲۷ رجب مصادف با مبعث حضرت رسول (ص) انتخابات آغاز گردد. به همین منظور، حدود پنجاه‌هزار نسخه از قانون انتخابات در سراسر کشور و در همه ایالات کشور توزیع شد (همان: ۱۳۴) تا به موجب آن، بی‌درنگ انتخابات آغاز گردد. ولی غالب حکمرانان به این امر تن ندادند. به همین دلیل، در تبریز، رشت و مشهد نیز مشروطه‌خواهان در کنسول‌گری بریتانیا بست نشستند (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱) اما با مقاومت مشروطه‌خواهان، سرانجام انتخابات به انجام رسید و در ۱۴ مهر مجلس گشایش یافت. بدین ترتیب، رهبران ملی رخصت ندادند آب‌ها از آسیاب بیفتند. آنان فوراً نظام‌نامه انتخابات را تدوین کردند و انتخابات را بر اساس آن به راه انداختند.

۴. کمیته نظارت بر انتخابات و برگزاری انتخابات

دومین فعالیت مهم شورای عالی دربار برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی بود. برای حسن اجرای انتخابات، هیئت نظارت بر انتخابات مرکب از نمایندگان طبقات مختلف و نیز نماینده شاه و صدراعظم و حکومت تهران و نماینده شاهزادگان، علما و بازاریان تشکیل شد.

روز ۲۲ رجب، به دستور شاه، نظام‌نامه امضا، چاپ و برای هر ولایت فرستاده شد تا همه از مندرجات آن مطلع شوند و بر همان اساس نمایندگان خود را انتخاب کنند. از روز

۲۳ رجب، شورای عالی در مدرسه نظام مقدمات انتخابات مجلس را فراهم آورد (اعظام قدسی، ۱۳۴۹: ۱/۱۴۴).

مخبر السلطنه از سوی شاه، مشیر دیوان از سوی دولت، اعظم السلطنه از سوی وزیر نظمی، خازن الملک از سوی حکومت تهران و نیز جمعی دیگر از جمله صنیع الدوله، مخبر الملک، مشیر الملک به همراه نمایندگان روحانیان، بازاریان و اصناف به عضویت انجمن نظارت بر انتخابات درآمدند. ریاست انجمن نظارت بر انتخابات را مخبر السلطنه بر عهده داشت (نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۱۷۸).

به نوشته مخبر السلطنه، نیرالدوله، حاکم تهران که باید انتخابات را برگزار می‌کرد، برای اخلال در امر انتخابات مدعی بود قادر به فهم قانون نیست. این رفتار او مخبر السلطنه را واداشت تا به ابهامات او پاسخ گوید. اما ادامه کارشکنی‌های وی موجب شد تا مخبر السلطنه انتخابات را رأساً به جریان اندازد (مخبر السلطنه هدایت، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ مخبر السلطنه هدایت، ۱۳۴۴: ۱۴۱-۱۴۲). البته، سخنان مخبر السلطنه تاحدی روشن‌گر نقش نیروهای استبدادگری چون نیرالدوله است که در کار برگزاری انتخابات کارشکنی می‌کردند. او همان کسی است که در دوره استبداد صغیر به ریاست مجلس شورای مملکتی رسید.

هیئت نظارت بر انتخابات همه روزه در مدرسه نظام نشست‌های انتخاباتی برگزار می‌کرد تا همه نمایندگان انتخاب شدند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۳/۶۰۸، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۲۴، ۶۲۰، ۶۱۹، ۶۱۶، ۶۲۵، ۶۲۶؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۸۹/۲). علت طولانی شدن انتخابات، فقدان تجربه شورای عالی و نیز طراحی و تدارک تعرفه‌های انتخاباتی از یک سو و کارشکنی و تعلل دولتیان از دیگر سو بود که نزدیک به بیست روز به درازا کشید.

۵. شورای عالی و تعیین روز گشایش مجلس

با نزدیک شدن به پایان فرایند انتخابات، مظفرالدین شاه دوست داشت مجلس شورای ملی روز نیمه شعبان مصادف با میلاد امام عصر (عج) برپا شود تا دو عید ملی و مذهبی به هم آمیزند و حلاوت آن دوچندان شود، اما شورای عالی و به تعبیر ناظم الاسلام «اصحاب حل و عقد» وی را به دو دلیل از این کار بازداشتند: نخست، هنوز انتخابات در همه شعبه‌ها به پایان نرسیده بود و دوم، جلوگیری از تلاقی عید ملی و مذهبی. به باور آن‌ها اهمیت این روز کم‌تر از اعیاد مذهبی نبود و هم‌زمان شدن دو جشن در یک روز ممکن بود یکدیگر را تحت الشعاع قرار دهد؛ بنابراین، گشایش مجلس شورای ملی

به روز ۱۸ شعبان مصادف با ۱۴ مهر ۱۲۸۵ موکول شد و شاه نیز ناگزیر رضایت داد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۳/۶۴۸-۶۴۹). این واپسین کار مجلس عالی بود که آشکارا از چیرگی گفتمان جریان روشن‌فکری اصلاح‌طلب در متن مجلس عالی حکایت داشت که این بار نیز توانست به‌رغم مخالفت شاه حرف خود را به کرسی نشانند. بدین‌سان، با گشایش رسمی مجلس شورای ملی فعالیت شورای عالی دربار نیز به پایان آمد.

۶. نتیجه‌گیری

تا پیش از تشکیل مجلس عالی، برگزاری نشستی که در آن شخصیت‌های دولتی و غیر دولتی در کنار یکدیگر به تصمیم‌گیری و تبادل نظر درباره مسائل مهم کشور پردازند، در تاریخ ایران سابقه نداشت. بنابراین، تشکیل مجلس عالی پس از صدور فرمان مشروطه نشانه یک تحول معرفت‌شناختی از نقش و جایگاه مردم در عرصه سیاست و بیان‌گر تغییر نگاه به اداره حکومت بود. از این‌رو، باید مجلس عالی را نخستین مجمع دموکراتیک در تاریخ ایران دانست که در آن همه جریان‌های سیاسی صاحب‌نفوذ و سلیقه‌های گوناگون فکری حضور داشتند و در تعامل آن‌ها با یکدیگر قانون انتخابات تدوین و تصویب شد، مقدمات تشکیل مجلس اول فراهم آمد، امور سیاسی کشور به روال جدید افتاد، حکومت قانون آغاز شد و نظام مشروطه از قوه به فعل درآمد.

مجلس عالی در اصل، شورایی اضطراری بود که در غیاب مجلس مؤسسان مشروطه بخشی از کارکردهای آن را بر عهده داشت. اهمیت این موضوع زمانی بیش‌تر درک خواهد شد که در نظر آوریم این رسالت مهم در چه گذرگاه دشوار تاریخی صورت گرفته و مجلس عالی چگونه در آن دوران تاریک استبدادی - بدون هیچ تجربه پیشین - پرچم گذار از نظم کهن به نظم جدید را برافراشته است.

با عنایت به نتایج بی‌نظیر این مجلس بود که در سال‌های پس از مشروطه به فراخور بحران‌هایی که کشور با آن روبه‌رو می‌شد، تشکیل مجلس عالی نیز در دستور کار قرار می‌گرفت؛ مانند مجلس عالی برای برکناری محمدعلی‌شاه و انتخاب احمدشاه به جانشینی او و یا تشکیل شورای عالی دربار به پیشنهاد انگلیس برای تصویب قرارداد ۱۹۱۹ در غیاب مجلس.

پی‌نوشت

۱. کاتوزیان این فرد را شیخ محمد واعظ دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷).
۲. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۸۸.
۳. احمد کسروی نفر سوم را به جای نیرالدوله، حاجب‌الدوله نوشته است که به نظر می‌رسد نادرست است (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۳). *بحران مشروطیت در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۰). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چ ۶، تهران: نی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۸). *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱ (۱۲۸۵-۱۲۹۰)*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- اعظام‌قدسی، حسن (۱۳۴۹). *خاطرات من یا روشن‌شدن تاریخ صدساله*، ج ۱، تهران: ابوریحان.
- ادیب هروی، محمدحسن (۱۳۳۱). *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، تهران: چاپ‌خانه خراسان.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶: سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه و حواشی علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران: کویر.
- بهشتی‌سرشت، محسن (۱۳۸۰). *نقش علما در سیاست (از مشروطه تا انقراض قاجار)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- پورآرین، فؤاد (۱۳۵۸). *انقلاب فراموش‌شده: دولت‌های عصر مشروطه تا کودتای ۲۹۹ ش (برنامه‌ها و دشواری‌ها)*، تهران: چاپار.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تقوی، مصطفی (۱۳۸۴). *فراز و فرود مشروطه*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تقی‌زاده، حسن (۱۳۳۷). *مختصر تاریخ مجلس ملی ایران*، برلین: اداره روزنامه کاوه.
- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۳). *مجلس اول و نهادهای مشروطیت: صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی*، تهران: مهرنامک.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، ج ۲، چ ۴، تهران: عطار و فردوسی.
- رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۸۱). *انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- روزنامه ایران (۱۳۲۴). اخبار دربار همایون، پنجشنبه ۹ رجب‌المرجب ۱۳۲۴ / ۶ اوت ۱۹۰۶، س ۱۵، ش ۱۱.
- سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان‌میرزا سالور)*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۳، تهران: اساطیر.

- شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.*
- صفائی، ابراهیم (بی تا)، *رهبران مشروطه: عضدالملک، تهران: چاپ شرق.*
- صفائی، ابراهیم (۱۳۴۷)، *رهبران مشروطه، تهران: جاویدان.*
- صفائی، ابراهیم (۱۳۸۰)، *تاریخ مشروطیت به روایت اسناد، تهران: ایران یاران.*
- کاتوزیان تهرانی، محمدهلی (۱۳۷۹). *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی انتشار.*
- کتاب آبی: گزارش محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۳). به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، چ ۲، تهران: نو.
- کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۷۶). به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، چ ۲، تهران: نو.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطه ایران، تهران: میلاد.*
- مارتین، ونسا (۱۳۸۲). «حوادث و رخدادها»، *انقلاب مشروطیت ایران از سری مقالات دانش نامه ایرانیکا*، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، با مقدمه ناصر تکمیل همایون، تهران: امیرکبیر.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱). *تاریخ انحلال مجلس: فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، مقدمه و تحشیه محمد خلیل پور، تهران: دانشگاه تهران.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳). *مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید نفیسی و جواد جانفدا، تهران: علمی.*
- مخبرالسلطنه هدایت (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات: توشه ای از تاریخ شنش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگانی من*، چ ۴، تهران: زوار.
- مخبرالسلطنه هدایت (۱۳۶۳). *گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، با مقدمه سعید وزیری و به اهتمام محمدعلی صوتی، چ ۲، تهران: نقره.*
- مرادی خلیج، محمدمهدی (۱۳۸۹). *مشروع خواهان مشروطیت، شیراز: کوشامهر.*
- مغیث السلطنه، یوسف (۱۳۶۲). *نامه های یوسف مغیث السلطنه (۱۳۲۰-۱۳۳۴ هجری قمری)*، به کوشش معصومه مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، چ ۴، تهران: علمی.*
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۷۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۳، چ ۵، تهران: پلیکان.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۵۶). *فتح تهران: گوشه هایی از تاریخ مشروطیت ایران*، تهران: بابک.
- نهضت مشروطه بر پایه اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۷۰)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- یکتائی، مجید (۱۳۵۶). *بیدایش مشروطه در ایران*، تهران: اقبال.